



**MILLE ET UNE NUITS
POEMS**

WRITTEN BY SOROOR DARABI IN BOTH LANGUAGES
& EDITED BY AVA ANSARI

WATCHING YOU

Watching you,
from thorax to throat,
the wave of your eyes in the sea-blood.
Sky dreams,
sulfate blue,
because it's not true:
a real goddess has no blood.
Like a witch,
the ocean knows,
how deep it goes.
Fake goddess for the fake world,
nowhere witch land,
sulfate blue ground,
the fluid extension,
of your toxic body in the toxic land,
fake goddess for the fake world.
Witches are from a stolen land.
Poison troubles your gaze,
black is the color of this haze.
Ocean knows,
how deep it goes,
Night.

WE HEAL

We heal,
they told,
born in earth hole,
mother earth,
rippling under,
under the latest skin of shade,
We heal,
they told,
extra hand I brought for cuddling the flowers,
smashed God's hand under my butt,
best war booty,
We heal of course,
you with your dreams,
and I with my guilts.

LET ME WORSHIP THE CEILING

Let me worship the ceiling,
While you are still hanged,
Light is a shadow on your skin,
Pure beauty, pure poison,
While I'm dropping everywhere,
In the ocean.
Don't be thirsty.
I'm just a drop of poison,
Pure beauty pure poison.
While I'm dropping everywhere in the ocean,
Let me worship the ceiling,
While you are still hanged,
Don't be thirsty,
I'm just a drop of poison.

به تماشا بایت،

به تماشا بایت می‌نشینم
از سینه تا گردن
موج چشمانت، دریای خون
می‌بافد به رویاهایش، آسمان
سولفات‌های آبی معلق
خالی از حقیقت (چون)
بی خون (است) خدا
مثل جادوگر.
عمق را اقیانوس می‌فهمد.
دروغین خدا
دروغین سرزمین
جادوگران، بی سرزمین
تن آمیخته، سولفات، زمین
تن زهرآگین
در امتداد زمین زهرآگین
خدا دروغین (برای) دروغین
جادوگران ربوده سرزمین‌زهر می‌آزارد مه نکاهت به سیاه‌گین
عمق را اقیانوس می‌فهمد.
شب.

شفا می‌یابیم

شفا می‌یابیم!
گفته اند:
متولد شده در پستی سوراخ زمین،
ما در زمین
لرز آن زیر
پست‌ترین پوست‌های تاریکی،
شفا می‌یابیم!
گفته اند:
به دست اضافی که برای نوازش گلها آورده ام،
به دست له شده‌ی خدا در بیخ ملتحم
به جنگ ناب ما تحتها،
شفا می‌یابیم!
بی شک!
شما با آرزوهایتان،
و من با گناهانم.

من به پرستش سقف

من به پرستش سقف
در حالی که تو را از آن آویخته باشند
نور هم حتما سایه‌ای ست بر پوستت
زیبایی ناب، زهر ناب
وقتی که من به هم‌مجا جاری می‌شوم
در اقیانوس
تشنه‌ام نشو
من تنها قطره زهرم
زیبایی ناب، زیبای زهرآگین
وقتی که به هم‌مجا جاری می‌شوم
در اقیانوس‌ها
بگذار به پرستش سقف بنشینم
وقتی که تو را از آن آویخته‌اند
مرا هوس نکن
من قطره‌ای زهرآگین هستم

FALLING

Your feelings get frozen under my feet,
I want to walk too but I fall in,
the frozen garden of your emotions,
there is no devotion,
I won't belong to your gaze.
No one can see the limits of this haze,
loving is falling on a frozen land,
Come take my hand.
Falling is dancing on a frozen land.
Skinless body, exposed to the moonlight, until dawn,
Let's get high to let it down.
Your feelings get frozen under my feet,
I won't break you, I'll touch it and melt you down,
Skinless body, exposed to the moonlight, until dawn,
I won't break you.
I'll touch you and melt you down,
then watch you until you drown.

سقوط

یخ می‌بندند به زیر پاهایم
احساسات
می‌خواهم پیش برم اما به درون می‌لغزم،
باغ یخ‌بسته‌ی احساسات
هیچ فداکاری برای رهایی نخواهد آمد،
به چشمانت تعلق نخواهم گرفت،
حدود این مه غلیظ غیر قابل درک،
عشق، لغزش بر زمین یخ‌بسته است
بیا دستم را بگیر
سقوط، رقص بر زمین یخی ست
بدن بی‌پوست، در معرض نور مهتاب، تا سپیده
برای به پایین کشیدن باید به بالا اوج گرفت
احساسات به زیر پاهایم یخ می‌بندند
نمی‌شکنمت، لمس و آبت می‌کنم
بدن بی‌پوست، در معرض نور مهتاب تا سپیده
نمی‌شکنمت
لمست می‌کنم،
آب می‌شوی از اشتیاقم،
به نظاره می‌نشینم،
در خود غرق شدن را

NIGHT

Depth joins darkness,
and the darkness, your eyes.
When your hair weaves into the night,
Your voice wanders like a wounded horse in the plain naked
night.
Only a broken voice can fix a broken world.
Can I touch this dream with the reality of my fingers?
I wish I was a dream with dreamy hands,
under the skin of the night,
These trembling fingers on my throat break my voice,
Fulfilled by these toxin eyes, longing for the night.
Depth joins darkness,
and the darkness, your eyes.
These trembling fingers on my throat break my voice,
wounded horses wander in the plain naked night
Only a broken voice can fix a broken world.

شب

عمق به سیاهی می‌رسد
و سیاهی، چشمان تو
وقتی که موهایت بر تن شب می‌پیچد
صدایت به سان اسبان زخمی در دشت شب پرسه می‌زند
تنها صدایی شکسته می‌تواند زمین در هم شکسته را به ما برگرداند
این رویا را با انگشت‌های واقعیت لمس کردن؟
کاش رویایی بودم با داستانی از جنس رویا
در زیر پوست پر التهاب شب
انگشتان لرزان بر روی گلویم صدایم را در گلو می‌شکنند
سرشار از زهر چشمانت
بی‌تاب شب، شوق
عمق به سیاهی می‌آمیزد
و سیاهی، چشمان تو
انگشتان لرزان بر روی گلویم صدایم را در گلو می‌شکنند
اسبان زخمی در دشت لخت شب پرسه می‌زنند
تنها صدایی شکسته می‌تواند زمین در هم شکسته را به ما برگرداند

ECLIPSE

*Tonight, the moon is in love,
melting, burning to bear a new light.*

Why?

*look for the light
when darkness's generous hands entwine
my body
look for the light
my deepest desire is to get lost in your eyes,
swallowing the darkness,
the eternal abyss,
my nights.*

Why?

*look for the light,
Sun withholds sometimes.*

*My voice intercourses voids,
my tears, rivers.
With this flow times pass by,
rivers uncover the sea,
and me, in your fluids and my flaws,
in the successive streams of these emotions,
all politics, penumbras of your eyes,
To baptize, I, you, you, I,
it's born!
a new Sun.*

خورشیدگرفتگی

ماه عاشق است امشب،
می‌آمیزد، می‌سوزد تا باز زاده شود خورشید.

چرا؟

باید به دنبال نور باشم
وقتی سیاهی دستانش را سخاوتمدانه می‌پیچد
بر تنم
که عمیق‌ترین خواست‌م هست گم شدن در چشمانت
بلغ سیاهی،
نهایت بی‌نهایت،
شب‌هایم.

چرا؟

در پی نور باشم
خورشید هم گاهی دریغ می‌کند.

می‌آمیزند،

صدایم،

فضاهای خالی،

اشک‌هایم،

همه‌ی رودخانه‌ها.

زمان‌ها پس، در این جریان،

رودخانه‌ها در دریاها و درهم می‌جویند،

و من، در آیه‌ایت، در خرده‌هایم،

در افت و خیز چسبندگی‌ها،

تمام سیاسی‌ها، در سیاهی چشمانت،

دادی‌ام، می‌دهمت، غسل.

زاده شد!

خورشیدی نو.